



پیامبر(ص) چگونه ایرانیان را به اسلام دعوت کرد/ نقش فرماندار مدائن در مسلمانی ایرانیان

مدیرگروه تاریخ و سیره مرکز مطالعات بیان داشت: عنایت و توجه پیامبر(ص) و امیرمؤمنان(ع) به ایرانیان و رفع تبعیض از موالی که در دوره خلفای پیشین رواج داشت، سبب می‌شد که ایرانیان، روز به روز شیفته و شیدای اسلام راستین شوند.

مدیرگروه تاریخ و سیره مرکز مطالعات بیان داشت: عنایت و توجه پیامبر(ص) و امیرمؤمنان(ع) به ایرانیان و رفع تبعیض از موالی که در دوره خلفای پیشین رواج داشت، سبب می‌شد که ایرانیان، روز به روز شیفته و شیدای اسلام راستین شوند.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، بدون شک ورود اسلام به سرزمین پهناور ایران، تحول عمیق و گسترده‌ای بر ابعاد گوناگون دینی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ایرانیان داشته است، هر چند نمی‌توان انکار کرد که جنگ اعراب مسلمان با دولت ساسانی و شکست امپراتوری ساسانی موجب شد که اسلام با سرعت بیشتری به همه مناطق ایران برسد و آرام آرام مردم زیادی با رها کردن دین زرتشتی به دین جدید بگردند و برای بسط و تعمیق آن فداکاری‌های زیادی از خود نشان دهند. اما این پرسش همواره مطرح شده است که آیا نفوذ دین اسلام در ایران، معلول پیروزی عرب‌ها و حاصل خونریزی‌ها و خشونت‌هایی است که به آن‌ها نسبت می‌دهند (و البته اساس درستی هم ندارد) و یا محصول فرآیندی تدریجی و عمدتاً فرهنگی است که بر بستر آماده جامعه ایرانی جاری شد و با گذر از فراز و نشیب‌های بسیاری به اعماق لایه‌های ذهنی و شخصیتی ایرانیان نفوذ کرد، جریان‌های فکری گوناگونی با انگیزه‌های مختلف و خاستگاه‌های متفاوتی کوشیده‌اند تا این گونه القا کنند که اسلام ایرانیان، نتیجه قدرت شمشیر و خشونت اعراب است! نظریه‌ای که علاوه بر مابینت با قوانین و سنت‌های اجتماعی، چیزی جز تحقیر و توهین به شعور و شخصیت ایرانیان نیست! به همین منظور با حجت‌الاسلام امیرعلی حسنلو مدیرگروه تاریخ و سیره مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات گفت‌وگو کردیم که مشروح آن در ادامه می‌آید:

اسلام موجب شد ایرانیان از زیر بار ستم‌ها و تبعیض‌های ظالمانه پادشاهان ساسانی رها شده و استعداد‌های نهفته علمی و معنوی آنان شکوفا شود

*ابتدا به طور اجمالی به واکنش مردم ایران به حمله سپاه اسلام به کشورشان اشاره می‌کنید؟

-دلایل بسیاری بر این حقیقت تأکید دارد که نه تنها اعراب مسلمان در جریان فتح ایران، دست به کشتار و جنایت نزدند و آثار فرهنگی، دینی و ملی ایرانیان را از بین نبردند و اساساً جز با سپاه ساسانی وارد جنگ نشدند، بلکه مردم ایران، خود به سبب آشنایی با اسلام و بیزاری و نفرت از حکومت ساسانیان، به استقبال لشکر اسلام رفتند و دست کم، حکومت ساسانی را در برابر لشکر اسلام یاری نکردند، خدمات بی‌نظیر مسلمانان در آموختن، آموزشیدن، تألیف و تصنیف علوم و معارف اسلامی و نیز بسط و گسترش و تبلیغ ارزش‌های اسلام نشان می‌دهد که ایرانیان با اختیار و از سرشوق و انگیزه‌های انسانی، اسلام را پذیرا شدند و به آن خدمت کردند، اسلام موجب شد ایرانیان از زیر بار ستم‌ها و تبعیض‌های ظالمانه پادشاهان ساسانی رها شده و استعداد‌های نهفته علمی و معنوی آنان شکوفا شود، چنان که ایرانیان نیز با قدرشناسی از نعمت اسلام، آن را در بستر فرهنگ توحیدی و انسانی خود پروریده و به اوج شکوفایی رساندند، آنچه در برخی کتاب‌ها درباره حمله اعراب مسلمان و جنایت‌های آنان به تصویر کشیده شده است، در اکثر موارد، دروغ‌های بی‌شرمانه‌ای است که دشمنان اسلام و ایران آن را ساخته و تبلیغ کرده‌اند.

*خب! طبیعی‌تر این گونه به نظر می‌رسد که ایرانیان در برخورد اول به راحتی پذیرای اسلام نشدند؟

-فرهنگ هر جامعه، مجموعه‌ای از مؤلفه‌های عینی و ذهنی است که میراث نسل‌های متوالی و دارای عناصری مانند علم و دین و... است، ابزارهای مختلف آموزشی و تبلیغی در شکل‌گیری و استمرار فرهنگ، نقش بازی می‌کنند، (1) انسان با ویژگی‌ها و احساسات خاص و پیچیده‌ای مانند حس برتری‌طلبی، کمال‌جویی، آزادی‌خواهی، سلطه‌گریزی و اختیار در فرآیند فرهنگ‌سازی نقش اول را ایفا می‌کند، اسلام و مسلمانی چیزی شبیه واکسن و یا جرعه آبی نیست که توسط یک فرد و در یک لحظه به حلقوم ایرانیان بریزند، هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که فلان شخص، اسلام را به ایران وارد کرد، بلکه مسلمانی ایرانیان امری

فرهنگی و محصول قرن‌ها تلاش و مجاهدت علمی و تبلیغی است؛ اتفاقاً حمله اعراب، این فرآیند را مقداری کند کرد و سبب شد ایرانیان قدری در برابر فرهنگ اسلامی مقاومت کنند، اما هنگامی که با آموزه‌های اسلام آشنا شدند، نه تنها دسته دسته به اسلام روی آوردند؛ بلکه خود مبلغ و ترویج‌گر آن شدند.

*آیا این دعوت از زمان خود پیامبر خاتم(ص) شروع شد؟!

پیامبر(ص) در مدت کوتاهی توانست با انقلاب فرهنگی، در یک جامعه جاهلی افرادی را تربیت کند که در راه گسترش اسلام جانفشانی کنند

-مطالعه سیره پیامبر(ص) نشان می‌دهد که تمام اقدامات ایشان برای گسترش اسلام، چه در خود حجاز و چه نسبت به کشورهای دیگر (جز موارد جنگ‌های دفاعی)، فرهنگی بوده است،(2) پیامبر اسلام(ص) بر اساس رسالت جهانی‌اش(3) به پادشاهان ایران، روم، حبشه و ... نامه نوشت و آن‌ها را به اسلام دعوت کرد، این رفتار پیامبر به خوبی حاکی از اعتقاد ایشان به برنامه فرهنگی برای گسترش اسلام است(4)، این گونه بود که پیامبر اکرم(ص) در مدت کوتاهی توانست با انقلاب فرهنگی، در یک جامعه جاهلی،(5) افرادی را تربیت کند که در راه گسترش اسلام جانفشانی کنند و به مراتب عالی معنوی نایل شوند، پس از رحلت پیامبر(ص)، مسلمین برای دفاع از کیان اسلام و نشر فرهنگ اسلامی به فراسوی جهان، مرزهای جغرافیایی را در نوردیدند و زمینه‌های گسترش اسلام در ایران و دیگر کشورها را فراهم کردند.

*چه عواملی در گسترش اسلام در ایران مؤثر بوده است؟

وجود پیروان زرتشتی در ایران تا عصر حاضر و آزادی آنان در اجرای مراسم دینی، بهترین دلیل بر نبود اجبار و زور در پذیرش دین اسلام است

-عوامل گسترش اسلام و پایداری و بالندگی آن پس از گشوده شدن دروازه‌های ایران به روی اسلام را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

-شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نامناسب ایران در دوره ساسانی سبب شد که مردم ایران به استقبال دین اسلام بروند و با اختیار خود مسلمان شوند، چنان که در بسیاری از شهرها، حاکمان بدون جنگ و درگیری، به سبب عدم مقاومت مردم در مقابل سپاه اسلام، پرداخت جزیه را می‌پذیرفتند و با سپاه اسلام صلح می‌کردند.(6)
-تشریح قانون جزیه از طرف پیامبر اکرم(ص) و استمرار آن و مختار بودن مردم در پذیرش دین یا پرداخت جزیه در تمام مناطق فتح شده اعمال می‌شد.(7)

-تخریب نکردن آتشکده‌های مجوس در ایران، چنان که گزارش شده است، یکی از سرداران عرب فرمان داد تا به یک امام جماعت و مؤذن او تازیانه زدند، چون یکی از معابد زرتشتی را ویران کرده بودند و سنگ‌های آن را در بنای مسجد به کار برده بودند، در قرن 10 میلادی، یعنی سه قرن پس از فتح ایران، آتشکده‌های زرتشتیان در عراق و فارس و کرمان و سیستان و خراسان و آذربایجان و در سراسر ایران برپا بود،(8) پیروان دین زرتشت به تدریج و به اختیار خود به دین اسلام گرویدند، وجود پیروان زرتشتی در ایران تا عصر حاضر و آزادی آنان در اجرای مراسم دینی، بهترین دلیل بر نبود اجبار و زور در پذیرش دین اسلام است.(9)

-مسلمان شدن بسیاری از ایرانیان، قبل از فتح ایران که در یمن و بحرین به سر می‌بردند، گفته شده پس از جنگ قادسیه، 4 هزار دیلمی با اختیار خود به دین اسلام گرویدند.(10)

-خدمات ایرانیان به اسلام، تولید و توسعه علوم اسلامی و تدوین هزاران کتاب در زمینه علوم به طوری که بزرگ‌ترین صاحب‌نظران در علوم مختلف اسلام از شیعه و سنی از میان ایرانیان برخاسته‌اند و ایرانیان با اندک فاصله پس از رسیدن اسلام به ایران، در زمینه علوم اسلامی اعم از سیره، تاریخ، فقه، حدیث، رجال، علوم قرآنی، علوم عقلی و فنی و تجربی، با نوآوری‌های شگفت، به تولید علم پرداختند و این شیوه فرهنگ‌سازی را به کشورهای غربی انتقال دادند و مؤثرترین قدم‌ها را در تکامل علوم اسلامی برداشتند،(11) چنان که پیامبر اکرم(ص) درباره ایرانیان می‌فرماید: اگر علم به ستاره ثریا آویخته باشد، گروهی از فرزندان ایران به آن دست می‌یابند.(12)

-در پایان دوره هخامنشی، اسکندر مقدونی سراسر ایران را به زور شمشیر فتح کرد و حکومت (سلوکیان) تأسیس شد و سال‌ها بر سراسر ایران حکومت کردند، اما هرگز نتوانستند فرهنگ یونانی و غربی را بر ایرانیان تحمیل کنند، بلکه از فرهنگ و معماری

ایرانیان تأثیر پذیرفتند و ایرانیان هرگز دچار خودباختگی فرهنگی و بی‌هویتی نشدند و به ترویج این فرهنگ‌ها نیز پرداختند، (13) پس از اسلام نیز مردم ایران شاهد تهاجم اقوام مختلف از ماوراءالنهر و مغولستان، با فرهنگ‌های مختلف بودند، ولی هرگز دین «شمنی مغول» را ترویج ندادند، بلکه مهاجمان را مغلوب فرهنگ اسلامی خویش ساختند، در حالی که یقیناً شمشیر مغولان از شمشیر اعراب برنده‌تر و تیزتر و قتل و جنایت آن‌ها در طول تاریخ ایران بی‌نظیر بوده است و اعراب مسلمان هرگز چنین جنایاتی را در ایران مرتکب نشدند.

*آیا واقعاً ایرانیان بدون زور شمشیر مسلمان شدند؟

ایرانیان از نزدیک شاهد جامعه مسلمانان بودند که با حکومت اشرافی و جامعه طبقاتی ساسانی متفاوت بود

-هرگز نمی‌توان گسترش دین اسلام در ایران را به زور شمشیر دانست، بلکه باید آن را در علل زیر باید جستجو کرد:

1. غنی بودن محتوای دین اسلام و فرهنگ انسان‌دوستانه و ضد تبعیض و عدالت‌محور آنکه با فطرت انسان سازگار است،
2. پس از گشوده شدن مرزها، ارتباط مردم ایران با مسلمانان تنگاتنگ شد، این پیوند خود در ترویج دین اسلام مؤثر بود و ایرانیان از نزدیک شاهد جامعه مسلمانان بودند که با حکومت اشرافی و جامعه طبقاتی ساسانی متفاوت بود. (14)
3. اسرای جنگی ایرانی که به همراه خانواده و فرزندان به مدینه و شهرهای دیگر منتقل شده و در کنار مسلمانان زندگی می‌کردند، تحت تأثیر جامعه مسلمین مجذوب اسلام می‌شدند. (15)
4. ایرانیانی که قرن‌ها شاهد اشرافی‌گری شاهان ساسانی و محرومیت طبقات دیگر جامعه از امکانات اولیه زندگی بودند، با مشاهده ساده‌زیستی خلفای اسلامی، از جمله امیرمؤمنان (ع) و عاملان آن‌ها در شهرهای ایران که مثل پایین‌ترین طبقات مردم زندگی می‌کردند، به پذیرش آیین اسلام ترغیب شدند. (16)
5. حضور صحابه بزرگ پیامبر اکرم (ص) در جنگ‌ها و فتوحات ایران و قبول مسئولیت فرمانداری در نواحی مختلف ایران نیز یکی از عواملی بود که در ترویج اسلام در ایران تأثیر بسزایی داشت؛ سلمان فارسی وقتی از طرف خلیفه دوم برای فرمانداری مداین اعزام شد، مردم منتظر بودند که با تشریفات خاصی وارد شهر شود، اما سلمان سوار بر درازگوشی برهنه برای اداره امور مردم وارد شهر شد و خدمات ارزنده‌ای به مردم ارائه داد، این خود از مهم‌ترین عوامل ترویج اسلام در ایران بود. (17)

*خب! درباره گسترش اسلام در سایر کشورها هم توضیح می‌دهید؟

عنایت و توجه پیامبر (ص) و امیرمؤمنان (ع) به ایرانیان و رفع تبعیض از موالی سبب می‌شد که ایرانیان روز به روز شیفته اسلام راستین شوند

-گسترش اسلام و پایداری آن در ایران و صدور آن از این کشور به سایر کشورهای جهان که هیچ فتحی در آن‌ها انجام نشده بود، علل دیگری دارد، چون حکومت ظالمانه و مستبدانه بنی امیه و بنی‌عباس از عهده این مسئولیت سنگین بر نمی‌آمدند و عملکرد آن‌ها به عنوان خلیفه در جامعه ایران، پاسخ و نتیجه مثبتی نداشت که در رشد و پایداری اسلام تأثیرگذار باشد، بلکه برعکس، مردم ایران با دیدن رفتار تبعیض‌آمیز کارگزاران خلفا و حتی برخی خلفای اولین، درباره آن‌ها دچار تردید شدند و فرقه‌های مختلفی پس از ورود اسلام به ایران به وجود آمد که ناشی از عملکرد منفی مدعیان دروغین جانشینی پیامبر (ص) بود. (18)

عنایت و توجه پیامبر اکرم (ص) و امیرمؤمنان (ع) و اهل بیت (ع) به ایرانیان و رفع تبعیض از موالی که در دوره خلفای پیشین رواج داشت (19)، سبب می‌شد که ایرانیان، روز به روز شیفته و شیدای اسلام راستین شوند؛ چنانکه گفته شده است: «... پدران ما تا اسلام را نمی‌شناختند در برابر آن جنگیدند و چون شناختند، در راه آن جنگیدند، این خود مایه سرفرازی است... یکی از بیچارگی‌های ایرانیان این است که تاریخ خود را نمی‌دانند!» (20)

به اعتبار همین اسلام راستین، بر مبنای اهل بیت (ع) بود که پس از نهضت امام حسین (ع)، بسیاری از ایرانیان (21) در سپاه مختار برای انتقام حضور داشتند (22) و این اندیشه را به ایران و فراسوی منطقه مرکزی، همچون خراسان و طبرستان (مازندران) و... بسط دادند و بنی‌عباس با زیرکی از همین موج، سود جست و امویان را برانداخت، پس از حضور امام هشتم (ع) و سایر سادات از خاندان پیامبر (ص) در خراسان، با عشق مردم ایران به خاندان نبوت، که چشمه جوشان اسلام ناب بودند، گسترش اسلام به اوج خود رسید و پیش از حضور امام هشتم (ع) که دوره اختناق امویان بود، ایران بهترین مأمین

یکی از مهم‌ترین عوامل گسترش اسلام در ایران، عشق مردم ایران به اهل بیت(ع) است، چون در مناطقی که توسط امویان و عباسیان فتح شده بود، پس از انقراض حکومت آن‌ها اثری از دین اسلام برجا نماند

در دوره وقوع اختلاف و آشوب میان بنی‌امیه و بنی‌عباس که معاصر امام باقر و امام صادق(ع) بودند، رابطه ایرانیان با چشمه‌های زلال دین و دانش برقرار بود و خردمندان و اندیشمندان ایرانی پیام اسلام را می‌گرفتند و در ایران به ترویج و بسط آن می‌پرداختند و با اندیشه‌های انحرافی و اختلاف‌انگیز تزریق شده از سوی دستگاه حکومت، برای نابودی اسلام بر اصول اعتقادات و کلام الهی وارد می‌شد، برخورد علمی می‌کردند و به آن‌ها پاسخ می‌دادند.(23)

*نتیجه‌گیری؟

-بنابراین یکی از مهم‌ترین عوامل پایداری و گسترش اسلام در ایران، عشق و علاقه مردم ایران به اهل بیت(ع) است، چون در مناطقی که توسط امویان و عباسیان فتح شده بود، پس از انقراض حکومت آن‌ها اثری از دین اسلام برجا نماند،(24) این خود بهترین دلیل بر ردّ نظریه «بسط و گسترش اسلام به زور شمشیر» است، چون هرگاه دین در قلوب مردم رسوخ کرد و جزئی از فرهنگ و زندگی آنان شد، هرگز رنگ نیستی و زوال نخواهد پذیرفت!

پی‌نوشت‌ها:

- 1- بروس کوئن، مبانی جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات سمت، چاپ چهارم، 1372، ش، ص 59.
- 2- ر.ک: ابن هشام، السیره النبویه، تهران، نشر اسلامی، چاپ چهارم، 1368 ص 358؛ یعقوبی، تاریخ، ترجمه آیتی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ هفتم، 1374، ج 1، ص 442؛ آیتی، تاریخ پیامبر اسلام، تهران: دانشگاه، چاپ ششم، 1378 ش، ص 390؛ رسول جعفریان، تاریخ سیاسی اسلام، قم: انتشارات دلیل، چاپ دوم، 1382 ش، ج 1، ص 91-377 و ص 430؛ پیامبر(ص) در مدینه اقلیت‌های دینی و اسرای مشرکین را در انتخاب پرداخت جزیه و قبول اسلام، آزاد می‌گذاشت و...؛ این‌ها بهترین دلیل بر به کار نگرفتن زور و استبداد در قبولاندن دین اسلام توسط پیامبر(ص) است.
- 3- اعراف/ 158، سبأ/ 28، قلم، آیه 52، ...
- 4- علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، قم: یاسین، چاپ اول، 1363، ج 1، ص 30-90.
- 5- نهج‌البلاغه، خ 2، 93، 95، 192، درباره اخلاق تحسین برانگیز و حیرت‌آور پیامبر در تربیت اعراب جاهلی است.
- 6- عبدالحسین زرین کوب، تاریخ مردم ایران پس از اسلام، تهران: امیرکبیر، چاپ سوم، 1371 ش، ص 12 و 14.
- 7- همان، ص 380؛ گوستاولوبون، تمدن اسلام و عرب، ترجمه فخر داعی گیلانی، تهران: علمی، چاپ چهارم، 1334 ش، ص 158.
- 8- علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب، ترجمه پاینده، تهران: علمی فرهنگی، چاپ چهارم، 1370 ش، ج 1، ص 603-615.
- 9- عبدالحسین زرین کوب، همان، (چ سوم)، ص 535.
- 10- ابی جعفر محمد بن جریر طبری، تاریخ الطبری، ترجمه پاینده، تهران: اساطیر، چاپ چهارم، 1368 ش، ج 4، ص 1436.
- 11- ویل دورانت، تاریخ تمدن، تهران: علمی فرهنگی، چاپ چهارم، ج 4، ص 188 و 417 - 428.
- 12- نهج‌الفصاحه، تهران: انتشارات جاویدان، اول، 1374 ش، ص 649.

13- مشکور و رجب‌نیا، تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران، اشکانیان، (تهران: دنیای کتاب، چاپ سوم، 1374ش)، ص 64، 70، 102، 128 و 149؛ و حسن پیرنیا، ایران باستان، (تهران: دنیای کتاب، چاپ اول، 1370ش)، ص 195 و 206.

14- زرین‌کوب، بامداد اسلام، (تهران: امیر کبیر، چاپ ششم، 1369ش)، ص 87، ویل دورانت، همان، ص 169 - 181؛ ر.ک: کریستن سن، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه ی رشید یاسمی، (تهران: دنیای کتاب، چاپ نهم، 1374ش)، ص 138 و 638-666.

15- ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی اسلام، تهران، دنیای کتاب، چ هشتم، 1378 ش، ص 25 - 244 و 268.

16- همان، ص 269.

17- محدث نوری، نفس الرحمان فی فضیلة السلطان، تهران: آفاق، چاپ اول، 1369ش)، ص 551.

18- یعقوبی، همان، ص 39 - 42: تبعیض خلیفه‌ی اول در تقسیم بیت‌المال که به اعراب پنج هزار درهم و به عجم‌های اهل ایران دو هزار درهم داد؛ محدث نوری، همان، ص 67؛ معاویه در نامه‌ای به ابن زیاد می‌نویسد: درباره ایرانیان به سنت عمر عمل کن که هر یک از آن‌ها که مسلمان شد، خوارش کن و نگذار با عرب ازدواج کند و از عرب ارث ببرد، ولی عرب از آن‌ها ارث ببرد... از آن‌ها کار سخت بکش، در نماز نگذار از عرب جلوتر باشند و... عمر دیه موالی (ایرانیان) را نصف دیه عرب تعیین کرد....

19- همان، ص 358. عمر در نامه‌ای به سلمان نوشت: تو با کارهایت در مدائن - سلمان تواضع داشت و با مردم مهربان بود و... - سلطنت را تضعیف کرده‌ای! سلمان در جواب نوشت: تو می‌دانی که پیامبر(ص) نیز با مردم الفت داشت... ر.ک: همان، ص 527 و سید علی خان شیرازی، الدرجات الرفیعه، (قم: نشر بصیرتی 1397ش)، ص 215؛ سلمان برای استناداری مدائن از امیر مؤمنان اجازه گرفت.

20- احمد کسروی، در پیرامون تاریخ، تصحیح عزیز علیزاده، (انتشارات فردوس، 1377ش)، ص.

21- سیداحمدرضا خضری، تاریخ خلافت عباسی از آغاز تا پایان آل بویه، (تهران: انتشارات سمت، چاپ اول، 1378ش)، ص 3 - 15.

22- رسول جعفریان، تاریخ تشیع، (تهران: سازمان تبلیغات، چاپ سوم، 1371ش)، ص 68.

23- شیخ مفید، ارشاد، (قم: آل البیت، چاپ اول، 1413ق)، ج 2، ص 160 - 330؛ سید احمدرضا خضری، ص 34؛ سید حسین محمد جعفری، تشیع در مسیر تاریخ، (تهران: نشر فرهنگ، چاپ هفتم، 1373ش)، ص 290 و 302.

24- گوستاولوبون، همان، ص 165 - 167 که اشاره به اخراج مسلمین از جزیره سیسیل و... می‌کند.